

« در ابتدا ترجیح می‌دهم این است که سؤال ما را با وضعیت امروز جامعه ایران آغاز کنیم. مهم‌ترین مشکل ایران را در این روزها چه می‌بینید؟ آیا دلیل کاستی‌ها و آنچه از ایده‌آل مردم ایران به دور است به دلیل ضعف در نهاد دولت است یا الگوی حکمرانی؟

ما امروز تجربه سنگینی از گذشته بر دوش داریم. اتفاقی که در نزدیک به نیم قرن گذشته با انقلاب اسلامی دید آمده، یک تجربه نو-نه برای ایران و منطقه - بلکه برای جهان است. جالب است بدانیم که گزارشی را مؤسسه بین‌المللی نخست‌وزیر سابق انگلستان - تونی بلر - که اندیشکده‌ای به نام او است، در سال ۲۰۱۹ حدود پنج سال پیش به امضا و توافق همه کارشناسانش تهیه کرده و متنی را منتشر می‌کند. این گزارش پس از چهل سال از بروز انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و پس از سی سال از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹ تهیه شده است. این گزارش می‌گوید {برخلاف باورها که} تحولات دوران معاصر جهان با فروپاشی شوروی رخ داده است و جنگ سرد بین شرق و غرب تمام شده و آمریکا به همراه کشورهای دولت‌های غربی پیروز این میدان شده و آثار گسترده‌ای در عرصه جهانی بر جای گذاشته، تلقی ما و همه تحلیلگران سیاسی این است که این روایت دقیق و صحیحی نیست. بلکه روایت صحیح آن است که تحولات جهان معاصر از ۱۹۷۹ و انقلاب اسلامی ایران آغاز شده است. چون فروپاشی شوروی اتفاقی بود که در مقابلش رقیب داشت کار خود را انجام می‌داد. حرکت نوبی نبود. حرکتی بود که در آن رقیب دنیای غرب و جهان لیبرال، ناموفق بود و شکست خورد و طبعاً این دیدگاه لیبرالی حاکم و پیروز این میدان شد. اما دنیا درگیر یک نگاه جدید و یک تحول نو قرار نگرفت. آنچه که دنیا را با تحول نو و نگاه جدید روبه رو کرد، انقلاب اسلامی ایران و سال ۱۹۷۹ است که مبدأ تحولات تاریخ معاصر است. به دنبال انقلاب ایران، بسیاری از تحولات منطقه‌ای و جهانی اتفاق افتاد.

داستان انقلاب اسلامی، داستان بزرگی است. دگرگونی و جابه‌جایی و تغییر، خودش حادثه بزرگی است و خیلی نظم‌ها و قواعد را به هم می‌ریزد و روال زندگی را تغییر می‌دهد. معمولاً از بین بردن و فرو ریختن و انهدام، کار سختی نیست و با عوامل و ابزار کمتری می‌تواند رخ دهد. انقلاب ما خیلی هزینه داشت و برای آن زحمت زیادی کشیده شد. در چند دهه یعنی از ۱۲۸۵ شمسی که مشروطه شروع شد و بعدها حادثه ملی شدن نفت و بعد از آن حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ شد خیلی تلاش شد. ولی باز هم از بین بردن نظم و نظام گذشته بود. ایجاد ساختمان جدید خیلی سخت‌تر و مشکل‌تر است. به تفکر و برنامه‌ریزی و مقدمات و ابزار

و لوازم بسیار زیادی برای ساختمان جدید نیاز داریم.

ایجاد و ساخت یک نظام جدید کار بزرگ و سختی است. انقلاب‌های در دنیا را می‌بینیم. همین حوادث را در آمریکا دیده‌ایم. چند قرن طول کشیده که این بازسازی شکل گرفته است. در اروپا انقلاب فرانسه را دیده‌ایم. در سایر کشورهای اروپایی حرکت‌های نوآوری و سازندگی با شکست و رفت و برگشت مواجه شده و جنگ‌های مختلفی درگرفته است و ویرانی‌های فراوانی بر جای گذاشته است تا تبدیل به یک تمدن و نظام جدید شود.

این را در نظر بگیریم که انقلاب ما از روز اول اجازه پیدا نکرد مسیر خودش را در یک فضای آرام تعقیب کند که ملت ما خودشان بیایند و فکر کنند و برنامه‌ریزی کنیم و ببینیم چه می‌خواهیم و تلاش کنیم ساختمان جدید را ایجاد کنیم و بسازیم. از همان اول با سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی و برخورد و اصطکاک و بحران‌سازی برای کشور مواجه شدیم. طبیعی بود که ایران لقمه چرب و شیرینی است و خیلی‌ها طمع به ایران داشته و دارند. از جهات مختلف، ایران برایشان خیلی ارزش دارد و یک سرزمین بسیار پرازش از جهات مختلفی است. طبیعی بود که از دست دادن ایران برایشان بسیار سخت و دردآور و غیر قابل تحمل بود. آن هم ایرانی که حرف و تاریخ و تمدن و ادعا و پیام‌های قوی دارد. طبیعی بود که وقتی کسانی که دستشان از ایران کوتاه شد و ایران را دارای چنین پیام‌ها و رویکردی دیدند، ننشینند و از همان اول شروع به توطئه و نقشه کشیدن و سنگ انداختن و بحران‌سازی کنند.

ما باید امروز خود را با همه شرایط ارزیابی کنیم. فکر می‌کنم آنچه ملت ایران امروز در آن قرار دارد، یک دستاورد و پیروزی بزرگ است. همه چیز را باید نسبی بسنجیم. در یک دنیای مطلق انگار نیستیم. یک جاده صاف و اتوبان و بزرگراه عریض و پهن و بدون مانع نیست که به راحتی چشم‌انداز روشنی داشته باشیم و دسترسی به هدف‌ها پیدا کنیم.

در چنین شرایطی که ما را احاطه کرده است، باید ارزیابی نسبی داشته باشیم و ببینیم که آیا ملت و کشوری با این همه مشکلات بر جای مانده و تغییراتی که می‌خواهد در او ایجاد شود و شد، با این همه دشمنی‌ها و فتنه‌گری‌ها و بحران‌سازی‌ها می‌تواند تاب بیاورد و بماند؟ می‌تواند دوام داشته باشد؟ می‌تواند به حیات خود ادامه دهد؟ اصلاً اسمی از او می‌ماند؟ با این واقعیت درگیر شدیم. از طرفی با مشکلات زیادی روبه‌رو هستیم که در همه ابعاد وجود دارد. مشکلات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، دیپلماسی و حتی امنیتی وجود دارد. در موارد امنیتی و نظامی و حتی سیاسی و اجتماعی دستاوردهای خوبی داریم. ولی دچار چالش‌های بسیار زیادی هستیم.

« همه این چالش‌هایی که شما می‌فرمایید قبول، در برابر این چالش‌ها چه باید کرد؟

اولاً بپذیریم که چالش‌های زیادی داریم. این واقعیتی است که باید به آن باور داشته باشیم. باید اعتراف کنیم که دچار آفت‌ها و چالش‌های فراوانی هستیم. برخی از این چالش‌ها بزرگ و جدی است. ثانیا اینکه باید دریافت که این اتفاق و مشکلاتی که برای ما ایجاد شده، چه عللی دارد؟ علل آن را باید چند وجهی بدانیم. تک‌ساختی نیست که بگوییم یک یا دو علت وجود دارد. علت‌های متعددی وجود دارد. تا علت‌ها را به خوبی نشناسیم به درمان درست نخواهیم رسید. برخی اوقات، نسخه‌های ساده سطحی برای حل مشکلات خود می‌نویسیم. در حالی که با نسخه‌های ساده و ظاهری و یکی دو عاملی نمی‌شود مشکلات امروز جامعه ما را برطرف کرد.

فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد و بقای مشکلات، سازمان اداری کشور است. سازمان اداری کشور، مطلوب جامعه ایران نیست. چه قبل از انقلاب که یکی از عوامل جدی فروپاشی نظام گذشته بوده است و چه بعد از انقلاب که به یکی از بحران‌سازترین علل بقا و تداوم مشکلات تبدیل شده است. برای ایجاد نظام مناسب با فرهنگ و تمدن و تحولات جهانی و پیشرفتی که به آن نیاز داشته‌ایم، نتوانسته‌ایم نظام اداری خود را سامان دهیم. تا زمانی که نتوانیم نظام اداری خود را متناسب با نیازهای خود و با توجه به تحولاتی که در دنیا و بوروکراسی‌ها و دیوان



**مشکلات کشور را از طریق نظام اداری باید حل کنیم و تا نظام اداری با این چالش‌های جدی روبه‌رو است، دولت بزرگ شده است، پر هزینه و لخت است، آن چنان که باید، نمی‌تواند خدمات خوبی به مردم ارائه دهد. تنها دولت هم نیست. کل نظام اداری کشور است. دستگاه‌های غیر دولتی عمومی و نهادهای حاکمیتی هم از این مسأله رنج می‌برند**



برای مشاهده فیلم  
بارکد را اسکن کنید

ایران

۴۵

روزنامه